

حقوق زنان خاورمیانه و شمال آفریقا بعد از بیداری اسلامی از منظر آموزه‌های فقهی و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

زینب نفرا^۱
اباذر افشار^۲

چکیده

با تحولاتی که در نظام‌های سیاسی مصر، لیبی، تونس و یمن رخ داد، وضعیت حقوق زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت. پس از بیداری اسلامی، زنان و فعالان حقوق زن، در تغییر روند مسائل مربوط به عدالت جنسیتی بر حاکمیت آموزه‌های اسلامی بسیار امیدوار شدند. با این وجود، چهار کشور مذکور که پیش‌تر به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان پیوسته بودند، تغییرات متفاوتی را تجربه کردند. از این رو، مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی، درصدد بررسی وضعیت حقوق زنان بعد از بیداری اسلامی در کشورهای چهارگانه فوق در چهارچوب حقوق اسلامی و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان است. طبق یافته‌های پژوهش، اگرچه تونس با چالش‌ها و موانع متعددی مانند حملات تروریستی، بحران‌های اقتصادی، بن‌بست سیاسی و درگیری بین سکولارها و اسلام‌گرایان مواجه بوده است، اما نظام حقوقی اسلام در این دوره، با تقویت حقوق مدنی و آزادی‌های اساسی، شاهد شکوفایی به‌ویژه جنبش‌های اسلامی زنان بوده است. اما مصر با وجود سابقه تاریخی در حوزه حقوق زنان، نتوانسته است از فرصت تغییر رژیم در راستای احقاق حقوق اسلامی زنان بهره‌مند شود. در لیبی و یمن نیز استمرار درگیری و جنگ، منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت و جایگاه زنان شده است. واژگان کلیدی: حقوق زنان، بیداری اسلامی، خاورمیانه، شمال آفریقا، منع خشونت علیه زنان.

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران؛ zznafar@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ a.afshar@hmu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱

مقدمه

با وجود نظام‌های دیکتاتوری و فقدان جامعه مدنی و نظام حزبی، شاید جنبش‌های انقلابی کشورهای عربی، غافلگیرکننده به نظر آید و این ویژگی هر انقلابی در جوامع استبدادی است. ولی هیچ جنبش توده‌ای، و فراتر از آن، هیچ انقلابی بدون سازماندهی رخ نمی‌دهد. انقلاب در کشورهای عربی، از نظر سازماندهی و تجربه‌اندوزی از جوامع دیگر، از سال‌های قبل آغاز گردیده بود (جوانپور و بنی‌هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵)؛ با این حال خودسوزی یک دست‌فروش تونس به نام محمد بوعزیزی، که به نشانه اعتراض به رژیم تونس، خود را به آتش کشید، به سان یک کاتالیزور عمل کرد. رویدادی بود که باعث برافروختن اعتراضات در خاورمیانه و شمال آفریقا^۱ شد. پس از مرگ او، مردم به امید برکناری یک رژیم فاسد از قدرت، گرد هم آمدند و سپس در اثر دومینو، اعتراضات در سراسر منطقه گسترش یافت که از آن به عنوان «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» یاد می‌کنند. دلایل متعددی، منطقه را به اعتراضات کشاند که می‌توان آن را در مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مانند گرسنگی، فقر، بیکاری جوانان، نابرابری اجتماعی، نقض حقوق بشر، وضعیت بحران اقتصادی، فساد، فقدان آزادی و دموکراسی و احترام به زندگی یافت (عبدالاسلام، ۲۰۱۵، ص ۱۲۱). در واقع، منظور از بیداری اسلامی، جریان اعتراضات و تظاهرات مردم علیه حکومت‌ها در کشورهای عمده جهان عرب است که در تونس، لیبی، مصر و یمن، به سقوط حکومت‌ها منجر شد؛ در الجزایر، اردن، سودان، سوریه، عراق، کویت و مراکش و همچنین در بحرین، لبنان، موریتانی، عربستان و عمان، تظاهرات بزرگ و مختصری آغاز شد. شعار تقریباً رایج در این تظاهرات، عبارت بود از «مردم سقوط نظام را می‌خواهند» (رجایی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۶). به طور دقیق‌تر، ژانویه ۲۰۱۱ مصادف با خروج غیرارادی زین‌العابدین بن علی، رئیس‌جمهور سابق تونس بود. یک ماه بعد، در اواخر فوریه، در مصر، حسنی مبارک در نتیجه فشار میلیون‌ها معترض در میدان تحریر، که

۱. دیدگاه اکثریتی که در مورد مرزهای خاورمیانه وجود دارد، شامل امپراتوری سابق عثمانی و تمامی ایران است. به عبارت دیگر مرزهای خاورمیانه، از شرق ایران شروع می‌شود، شبه جزیره عربستان را نیز دربرمی‌گیرد و تا شمال غرب آفریقا ادامه پیدا می‌کند. این دیدگاه، رایج‌ترین دیدگاه در جهان درباره مرزها و محدوده جغرافیایی خاورمیانه است (احمدی، ۱۴۰۰، ص ۲۶). در ادبیات غرب، به این منطقه به اختصار، منطقه منا (MENA) می‌گویند.

شاهد تولد انقلاب مصر بود، برکنار شد. در همان زمان، وضعیت نابسامانی و هرج و مرج در لیبی به وجود آمد که منجر به کشته شدن رئیس‌جمهور معمر قذافی توسط شورشیان مسلح لیبی با کمک ناتو در اکتبر ۲۰۱۱ شد. موج بی‌ثباتی و اعتراضات، به زودی به یمن سرایت کرد و چهارمین رئیس‌جمهور مستبد، علی عبدالله صالح را در نوامبر ۲۰۱۵ پس از ۳۳ سال در کاخ ریاست‌جمهوری برکنار کرد (عبدالقاسم، آر. گرب و محمد، ۲۰۱۶). این تحولات در چهار کشور - تونس، مصر، لیبی و یمن - منجر به تغییرات اساسی سیاسی در قالب کنار زدن دیکتاتور دیرینه شد (بلین، ۲۰۱۲، ص ۱۶). با این حال، مداخله نظامی عربستان، تلاش مخالفان بحرین را درهم شکست. به نظر می‌رسید سوریه و یمن، وارد یک بن‌بست طولانی و خونین شده‌اند، جایی که نتیجه آن چندان روشن نبود. (هنری و جی هیانگ، ۲۰۱۲، ص ۴)

آنچه که این انقلاب‌ها را متمایز نمود، قدرت و پتانسیل شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ارتباط جمعی و همچنین حضور پررنگ زنان بود. در انقلاب‌های عربی شاهد بودیم که جوانان پست‌مدرن و شبکه‌ای عرب چگونه خیابان‌های کشورهای عربی را به تسخیر خود درآوردند. جنبش انقلابی ۱۷ فوریه جوانان لیبی و بنغازی، انقلاب تغییر یمن، جنبش اصلاح‌گرایانه ۲۰ فوریه مغرب و حتی جنبش اعتراضی در اردن هاشمی نیز همگی متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی و کانال‌های عرب‌زبان می‌باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸)، از سوی دیگر، حضور زنان در این تظاهرات، در جوامع مردسالارانه خاورمیانه، بیش از گذشته چشمگیر بود. جنبش‌های اجتماعی در کشورهای عربی، چهره دیگری از زنان در این کشورها را به مردم دنیا نشان داد؛ چراکه نظام پدرسالارانه حاکم بر عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی خاورمیانه، نقش حداقلی را به زنان عرب - برخلاف نظام فقهی حقوقی اسلام - اعطا کرده بود (واعظی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴). موقعیت زنان در جهان عرب از دیرباز دشوار بوده است، حتی در سال ۲۰۰۲، اولین گزارش توسعه انسانی عرب، فقدان حقوق زنان را به‌عنوان یکی از سه عامل، همراه با فقدان آزادی‌های سیاسی و آموزش ضعیف، که بیش از همه مانع پیشرفت منطقه شد،

1. Aboukacem, R. Gerber and Mohamed
2. Bellin
3. Henry and Ji-Hyang

ذکر کرد. بااین حال زنان در این اعتراضات، حضور پررنگی داشتند. شایان ذکر است آنچه اغلب در پوشش رسانه‌ای انقلاب مصر نادیده گرفته می‌شود، این است که چگونه اعتراضات به رهبری اتحادیه‌های کارگری - که بسیاری از آنها اتحادیه‌های کارگری مبتنی بر زنان در شهرهای تولیدی مصر هستند - انقلاب را تسریع کردند. در واقع، زنان درگیر در انقلاب مصر، از همه سنین و گروه‌های اجتماعی در آن شرکت کردند؛ زیرا خواهان پایان دادن به فقر، فساد دولتی، انتخابات تقلبی، سرکوب، شکنجه و خشونت پلیس هستند. (نیر، ۲۰۱۱)

در پژوهش پیش رو سعی بر آن شده تا با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و گزارش‌های رسمی، به پاسخ پرسش اصلی مقاله، یعنی وضعیت حقوق اسلامی زنان کشورهایی که متأثر از تحولات ۲۰۱۱ میلادی، حکومت‌ها در آنها سقوط کرده، از جمله تونس، مصر، یمن و لیبی بعد از بیداری اسلامی پرداخته شود. بدیهی است که این پژوهش برای ارزیابی وضعیت زنان به‌ویژه از منظر فقهی و حقوقی، به چهارچوب واحدی نیازمند است؛ بنابراین کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) که این کشورها پیش‌تر به آن پیوسته‌اند در نظر گرفته شده است. ناگفته نماند که علی‌رغم تلاش برای استخراج آخرین منابع و آمارهای رسمی، به ندرت دیده شده که در خصوص برخی از کشورها، گزارش‌های موثقی وجود داشته باشد که می‌توان از آن به عنوان یکی از محدودیت‌های پژوهش نام برد.

شایان ذکر است درباره بیداری اسلامی، کتاب‌ها و مقالات گوناگونی به رشته تحریر درآمده است: فرزاد پورسعید (۱۳۹۲) در کتاب «بیداری اسلامی در جهان عرب» با گردآوری مطالعات نظری و موردی پژوهشگران برجسته منطقه، سعی داشته است تا این موضوع را از زوایای مختلف تحلیل کند. البته فرهنگ رجایی (۱۳۹۹) در کتاب خود تحت عنوان «اندیشه سیاسی در جهان عرب: از پاییز خلافت تا بهار عربی»، پیش از آنکه به تحولات ۲۰۱۱ ورود کند، سابقه و پیشینه فکری اعراب در مواجهه با جهانی شدن و تجدد را بررسی کرده است. به طور تخصصی‌تر نیز حسن شمسینی غیاثوند و همکارش (۱۳۹۵) در مقاله «واکاوی مشارکت سیاسی زنان در جهان اسلام؛ با تأکید بر کشور مصر» معتقدند که یکی از دلایل ناکامی تحولات نوین

جهان عرب، عدم تحول گفتمانی فرهنگ عربی نسبت به زنان بوده باشد. توحید ولی پور عتیق و همکارش (۱۳۹۷) نیز در مقاله «نقش ساختارهای سیاسی پیش از بهار عربی بر ماهیت تحولات کشورها؛ (مطالعه موردی لیبی و تونس)» بر این باورند که نهادینه شدن نسبی قواعد بازی سیاسی و سنتی از چرخش نخبگان به شکلی مسالمت‌آمیز در تونس و برعکس آن، عدم وجود نهادهای مدنی و سیاسی پایدار و وابستگی قدرت به یک فرد در رأس هرم سیاسی، از عواملی است که شکل متفاوتی از تحولات برآمده از بهار عربی را در این کشورها دامن زده است. گفتنی است با وجود پژوهش‌های متعددی که درباره بیداری اسلامی انجام شده، پژوهشی که بتواند به مسئله اصلی مقاله حاضر پاسخ دهد، مشاهده نشده است.

۱. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

در حال حاضر، ۱۸ معاهده بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد که به فراخور شرایط کشورها، برخی به آنها پیوسته‌اند. به طور کلی، ترکیه با پیوستن به ۱۶ معاهده حقوق بشری، از کشورهای پیشرو منطقه است. با این حال، یکی از مهم‌ترین معاهدات در خصوص حقوق زنان، «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»^۱ مصوب ۱۹۷۹ سازمان ملل متحد است. کشورهای عضو کنوانسیون، متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌باشند. کنوانسیون مذکور، ۶ بخش و ۳۰ ماده دارد و در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز به جز کشورمان که تنها آن را امضا کرده و به تصویب نرسانده است، بقیه کشورها این معاهده را امضا و تصویب کرده‌اند. مصر در سال ۱۹۸۱ م، یمن (۱۹۸۴) ترکیه و تونس (۱۹۸۵)، عراق (۱۹۸۶)، لیبی (۱۹۸۹)، اردن (۱۹۹۲)، مراکش (۱۹۹۳)، کویت (۱۹۹۴)، الجزایر (۱۹۹۶)، لبنان (۱۹۹۷)، عربستان سعودی (۲۰۰۰)، بحرین (۲۰۰۲)، سوریه (۲۰۰۳)، امارات متحده عربی (۲۰۰۴)، عمان (۲۰۰۶) و قطر (۲۰۰۹) بعد از تصویب به این کنوانسیون پیوسته‌اند (کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲).^۲ گفتنی است بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله بنگلادش،

1. CEDAW

2. OHCHR

عراق، لیبی، مصر، پاکستان و مالزی، کنوانسیون را با بیان شروطی پذیرفته‌اند که عمدتاً بر عدم تعارض مواد کنوانسیون با احکام شریعت تأکید دارد (مهرپور، ۱۳۹۷، ص ۱۳۰). در جدول ذیل، مواد مختلف کنوانسیون مذکور آورده شده که هرکدام ناظر بر موضوعی است. در ادامه پژوهش، وضعیت حقوق زنان در کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن، در چهارچوب این مواد و با ابتناء بر فقه و حقوق اسلامی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. مواد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

۱	ماده ۲	اتخاذ قوانین حمایتی در قانون اساسی و قوانین داخلی برای زنان	این ماده، بر بعد حمایت قانونی و حقوقی زنان می‌پردازد. از جمله: گنجانیدن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی، اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان، اتخاذ تدابیر لازم از جمله تدابیر قانون‌گذاری برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان، تبعیض‌آمیز است.
۲	ماده ۷	رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی	این ماده، ناظر بر حق رأی دادن در همه انتخابات و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگان‌ها، حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن پست‌های دولتی، حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی است.
۳	ماده ۱۲	محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی	این ماده، ناظر بر تساوی بین زن و مرد و دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده است.
۴	ماده ۱۶	رفع تبعیض علیه زنان در امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی	این ماده، ناظر بر حق یکسان برای انعقاد ازدواج، انتخاب رضایت‌مندانه و آزادانه همسر و انحلال آن، حقوق مساوی برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولیت در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری، حضانت و قیومت کودکان و فرزندخواندگی، حقوق شخصی یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل، حقوق یکسان برای هریک از زوجین در رابطه با مالکیت، اکتساب، مدیریت، سرپرستی و بهره‌برداری و در اختیار داشتن اموال، خواه مجانی و یا با داشتن هزینه، جلوگیری از کودک‌همسری و اتخاذ قوانین آن است.

۲. اتخاذ قوانین حمایتی در قانون اساسی و قوانین داخلی برای زنان

بعد از برکناری زین العابدین بن علی، رئیس جمهور سابق تونس، اقدامات اولیه برای تدوین پیش نویس قانون اساسی در پیش گرفته شد. تا ۱۴ اوت ۲۰۱۲، هریک از شش کمیته فرعی مجلس مؤسسان، پیش نویس قانون اساسی خود را به کمیته هماهنگی مجلس ارائه کرده بودند. با این حال، حتی قبل از انتشار پیش نویس نهایی، شایعاتی مبنی بر اینکه ماده ۲۸، زنان را به عنوان «مکمل مردان» معرفی می کند، شکل گرفت که طوفانی از جنجال برانگیخت. ماده ۲۸ این گونه تلقی می شود که زنان باید در رابطه با مردان، موقعیتی تابع داشته باشند، که موجب اعتراض شدیدی در میان احزاب چپ میانه و سکولار و در میان بسیاری از زنان تونس از همه گروه ها و گرایش ها شد (مارکس، ۲۰۱۲). در همین راستا، جنبش اسلامی النهضه، در جایگاه حزب حاکم تونس، که بعد از سرنگونی حکومت سابق در سال ۲۰۱۱ در رأس کار بود، هم از سوی مسلمانان تندرو که خواستار معرفی قوانین اسلامی بودند و هم از سوی احزاب مخالف سکولار، تحت فشار قرار گرفت (آمارا، ۲۰۱۲). گفتنی است در عرصه مبارزات انتخاباتی، النهضه، مهم ترین دغدغه های مردم را اشتغال، اقتصاد، بهبود سطح زندگی، همبستگی، مشکلات اجتماعی، مسئله هویت و نظایر آن برشمرده بود (عربشاهی، ۱۳۹۷، ص ۴۹). با این حال، زنان و فعالان حقوق زنان، چه در داخل و چه در خارج از مجلس مؤسسان، سعی کردند بر روند تدوین قانون اساسی تأثیر بگذارند. از سوی دیگر، فشار افکار عمومی، به ویژه زنان نیز افزایش یافت. در نهایت، این فشارها تأثیر خود را گذاشت و ماده ۲۸^۳ تغییر کرد. علاوه بر بسیج درباره قانون اساسی جدید، جنبش حقوق زنان، به عنوان یکی دیگر از مهم ترین اقدامات خود بعد از ۲۰۱۱، به طور گسترده، علیه خشونت مبتنی بر جنسیت، سازماندهی شد.

1. Marks

2. mara

۳. ماده ۲۸ پیش نویس فاش شده قانون اساسی تونس، که در نسخه نهایی تصویب شده توسط مجلس مؤسسان در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۴ به اصل ۴۶ تبدیل شد، به شرح زیر است: «دولت متعهد می شود از حقوق انباشته زنان حمایت کند و برای تقویت و توسعه این حقوق تلاش کند. دولت، برابری فرصت ها را بین زنان و مردان برای دسترسی به تمام سطوح مسئولیت در همه حوزه ها تضمین می کند. دولت برای دستیابی به برابری بین زنان و مردان در مجامع منتخب تلاش می کند. دولت باید تمام اقدامات لازم را برای ریشه کنی خشونت علیه زنان اتخاذ کند.»

در ژوئیه ۲۰۱۷، پارلمان تونس، قانون جامع جدیدی را علیه خشونت مبتنی بر جنسیت صادر کرد که آزار جنسی در محل کار و خیابان‌ها را بازتعریف کرد. بر این اساس، با قانون آسان‌تر، مجازات‌های سخت‌تری را برای خشونت خانگی در نظر گرفت و کار را برای متجاوزان دشوار کرد (زکی، ۲۰۱۹، ص ۵). آنچه که در تونس بعد از ۲۰۱۱ شاهد بودیم، فعالیت گسترده‌تر فعالان حقوق زنان و تأثیرگذاری آنها بر روند قانون‌گذاری و اجرای قوانین مربوط به زنان بود.

در مصر نیز از همان ابتدا، زنان در خط مقدم مقاومت مدنی قرار داشتند (الناتور، ۲۰۱۳، ص ۵۹)؛ با این حال بعد از روی کار آمدن محمد مرسی، ترس چگونگی برخورد وی به مسئله حقوق و برابری، در بسیاری از محافل به‌ویژه فعالان حقوق زنان حاکم شد. در دسامبر ۲۰۱۲، دولت مرسی با وجود اعتراضات، قانون اساسی جدیدی را تصویب کرد. انتقادات از قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر، حول نقض حقوق زنان بود. فعالان و پژوهشگران حقوق زنان، دولت مرسی را مسئول به خطر انداختن «آزادی شخصی» و حقوق مدنی زنان می‌دانستند. با این حال برخی معتقدند که نگرش قانون اساسی ۲۰۱۲ نسبت به زنان، نشان‌دهنده انحراف رادیکال از قوانین اساسی «سکولار» قبلی نیست. برعکس، دولت محمد مرسی، زبان لیبرال حقوق زنان را اقتباس کرد و هم‌زمان از پیشینه قانون اساسی و همچنین پیشینه نظرات اسلام‌گرایان در مورد حقوق زنان در اسلام استفاده کرده بود. موافقان بر این باور بودند که قانون اساسی ۲۰۱۲، سطح برابری زنان را در تاریخ قانون اساسی مصر ارتقاء داده است، به‌طوری‌که قانون اساسی «سکولار» ۲۰۱۴ مجبور شد با مقررات بیشتری برای حقوق زنان، از قانون اساسی «اسلامی» سال ۲۰۱۲ کامل‌تر شود. این گروه، زبان برابری جنسیتی در قانون اساسی ۲۰۱۴ را تقریباً با زبان قانون اساسی ۲۰۱۲ یکسان می‌دانستند و مدعی بودند که قانون اساسی ۲۰۱۴ که توسط عبدالفتاح السیسی ابلاغ شد، تقریباً کلمه به کلمه، زبان قانون اساسی «اسلام‌گرا»ی ۲۰۱۲ را تکرار می‌کند (ام کلارنی، ۲۰۱۶). با این حال، علی‌رغم دفاع موافقان از قانون اساسی ۲۰۱۲، مخالفان همچنان به نقض حقوق زنان در آن تأکید می‌کردند.

1. Zaki
2. Al-Natour
3. McLarney

در خصوص لیبی نیز اعلامیه قانون اساسی اوت ۲۰۱۱ می‌گوید که همه افراد باید بدون تبعیض، از حقوق اساسی برخوردار شوند. اصل فرصت‌های برابر، در اصل ۱۶ پیش‌نویس قانون اساسی دائمی آمده بود که می‌گوید: «فرصت‌های برابر برای شهروندان هر دو جنسیت، تضمین شده است و دولت باید اقدامات لازم برای دستیابی به این هدف را اتخاذ کند» (شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰). با این حال، بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، درحالی‌که لیبی، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و سایر اسناد بین‌المللی را که تبعیض بر اساس جنسیت را ممنوع می‌کند، تصویب کرده است، تبعیض‌های قابل توجه علیه زنان، هم در قانون و هم در عمل ادامه دارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰). این امر، تأثیری جدی بر حقوق زنان در لیبی دارد. برای مثال، گزارش‌های مستمری از تهدیدهای فعالان حقوق زنان دریافت شده است (شورای حقوق بشر، ۲۰۱۷) و گزارش‌های متعددی از ربوده شدن و تجاوز به زنان وجود دارد. در واقع، وجود گروه‌های مختلف تروریستی در این کشور، به نقض فاحش حقوق بشر به ویژه در حیطه زنان منجر شده است.

در این میان، زنان یمنی، نقش مهمی در جنبش اعتراضی ایفا کردند که منجر به استعفای علی عبدالله صالح در سال ۲۰۱۱ شد و به مطالبات آنها برای ادامه مشارکت در مجامع گفتگوی سیاسی بعدی، مشروعیت بخشید. از طریق این مشارکت اولیه در جنبش اعتراضی، و شرکت در کمیته‌های آماده‌سازی کنفرانس، هم در جناح‌های سیاسی و هم به عنوان یک هیئت مستقل، نمایندگی قابل توجهی به دست آوردند. با این وجود، این موفقیت‌ها به دلایلی همچون نگاه مردسالارانه جناح‌های مختلف و ادامه جنگ و درگیری، ثباتی نداشت و موقعیت زنان، قبل از تجدید درگیری‌های مسلحانه در سپتامبر ۲۰۱۴ تضعیف شده بود. درحالی‌که بسیاری از توصیه‌های مربوط به جنسیت، از کنفرانس گفتگوی ملی در پیش‌نویس قانون اساسی ۲۰۱۴ منعکس شد. در ادامه، با شکست روند انتقال در سال ۲۰۱۴، نفوذ زنان محدودتر شد و از آن زمان، وضعیت زنان یمنی، حتی بدتر شده است. درگیری‌های

1. NHRC

2. HRC

مسلحانه، ناامنی و فقر را افزایش داده است که به موجب آن، بسیاری از مسائل سیاسی، از جمله مسائل مربوط به زنان و جنسیت، کنار گذاشته شده‌اند. شکست تلاش‌ها باعث شده است که قانون اساسی ۲۰۱۵ در قالب پیش‌نویس باقی بماند. زنان به میزان قابل توجهی، در هیچ‌یک از مذاکرات صلح پس از ۲۰۱۴ شرکت نکرده‌اند. آنها از طریق کمپین‌هایی مانند پیمان زنان یمن برای صلح و امنیت، تلاش کرده‌اند از خارج بر مذاکرات تأثیر بگذارند و با میانجی‌ها و مذاکره‌کنندگان هر دو طرف دیدار کنند. با این وجود، مشارکت زنان در روند گفت‌وگوی ملی دارای سابقه مهمی است و پتانسیل احیای این دستاوردها در آینده وجود دارد (ابتکار صلح و گذار فراگیر، ۲۰۱۸، ص ۱۲). اما آنچه مشهود است اینکه در بحبوحه افزایش تهاجم عربستان سعودی و درگیری‌های داخلی و نبود ثبات سیاسی، حقوق زنان یمنی نه تنها در چهارچوب قوانین، ارتقاء نیافته، بلکه با افزایش ناامنی، فقر و قحطی، در بسیاری از موارد، حقوق‌شان نقض شده است.

۳. رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی

از صدر اسلام، زنان در جنگ‌ها، بیعت‌ها و صحنه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه اسلامی حضور داشتند. حضرت زهرا (ع) در سال نهم هجرت، پس از فتح مکه که به صورت رسمی از بانوان بیعت گرفته شد، در کنار رسول خدا (ص) حضور داشت و با ایشان بیعت کرد و همانند دیگران متعهد شد از انحرافات رایج آن زمان پرهیز کند (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۶). پیش از آن نیز زنان در «پیمان عقبه» حضور داشتند. حضرت زهرا (ع) در خطبه‌ای برای زنان انصار و مهاجر، که به عیادتش آمده بودند، آنها را سرزنش می‌کند و به شرکت در سیاست جامعه اسلامی فرامی‌خواند (فضل‌الله، ۱۴۲۰، ص ۴۱۰). طبق ماده هفت کنوانسیون نیز «زنان، حق نامزد شدن، رأی دادن و شرکت در تعیین سیاست‌های دولت و انتصاب به سمت‌های دولتی را دارند و در این امور، مساوی مردان می‌باشند».

تونس به دلیل نظام وضعیت رفاهی و نیز از لحاظ برنامه‌های خود در راستای توسعه

اشتغال، رفاه و حقوق شهروندی زنان، از سایر کشورهای منطقه متمایز بود (مقدم، ۱۳۹۱، ص ۳۹۵). تا قبل از تحولات ۲۰۱۱، رژیم‌های اقتدارگرایی تونس گرچه موفقیت‌هایی را در زمینه حقوق زنان کسب کردند، اما به اذعان برخی از کارشناسان، تنها از حقوق زنان سکولار و تحصیل کرده حمایت می‌کردند و فقط به گفتمان‌های انحصاری دولتی - فمینیسم دولتی - در مورد حقوق زنان اجازه فعالیت می‌دادند (ر.ک: زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱)؛ درحالی‌که سازمان‌های مستقل زنان سرکوب می‌شدند (سارال، ۲۰۱۹، ص ۷). بعد از سال ۲۰۱۱، زنان و فعالان حقوق زنان از جبهه‌ها و گروه‌های مستقل، فعال‌تر شدند؛ به‌طوری‌که هنگام تدوین قانون اساسی جدید، بسیاری از آنها خواستار تعمیم بند برابری (ماده ۲۸) در سایر سطوح تصمیم‌گیری سیاسی شدند. آنها درباره محدودده بند برابری، به‌ویژه در عرصه انتخاباتی، به مذاکره با حزب حاکم و اعضای النهضه ادامه دادند و نتایج خوبی در این زمینه به دست آوردند و همین امر، یکی از دلایل اصلی تصمیم فعالان زنان برای پیوستن به این حزب بود. در واقع، آنها یک پیروزی مهم برای نمایندگی سیاسی زنان در چهارچوب روند تدوین قانون اساسی به دست آوردند (زکی، ۲۰۱۹، ص ۵). بعد از آن نیز حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، جدی‌تر از قبل شد که در این راستا می‌توان به حضور دو زن در دور اول انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ اشاره کرد. در ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱، نجلا بودن رمضان،^۲ اولین نخست‌وزیر زن این کشور شد و کابینه ۲۵ نفری را رهبری کرد که شامل ۹ زن دیگر بود (وزارت امور خارجه آمریکا، ۲۰۲۱، ص ۵). به طور کلی، وضعیت زنان تونس بعد از تحولات ۲۰۱۱ در عرصه سیاسی از جمله انتخابات بهبود یافت و فعالان تونس توانستند از فرصت تغییر حکومت، نهایت بهره را ببرند.

در جریان بیداری اسلامی در مصر، زنان در کنار مردان در حال تظاهرات و جنگ بودند، اما پس از بیداری اسلامی، وضعیت زنان به حالت سابق بازگشت. زنان در جریان گذار سیاسی، در فرایند تصمیم‌گیری در کمیته قانون اساسی گنجانده نشدند و اجازه حضور در کابینه موقت

1. Saral
2. Najla Bouden Romdhane
3. USDOS

را نداشتند (فردریک، ۲۰۲۰^۱، ص ۱۹) و حقوق آنان مورد حمله قرار گرفت. در بحبوحه مجلس اول مشخص شد که حقوق آنها برای استفاده از سیستم سهمیه زنان لغو شده است (البرادعی و وفا، ۲۰۱۳^۲، ص ۵۷). از سوی دیگر، در عرصه اجتماعی نیز بنا بر گزارش‌هایی، بعد از روی کار آمدن مرسی و اخوان المسلمین، مسیحیان قبطی، به‌ویژه زنان، به‌طور سیستماتیک مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و به حاشیه رانده شدند. در دوران حکومت مرسی، اسلام‌گرایان افراطی که بر رسانه‌ها تسلط داشتند، زنان مسیحی و غیرمسلمان را هدف قرار گرفتند و از آنها خواستند قوانین پوشش اسلامی و ظاهر عمومی را رعایت کنند (زکریا، ۲۰۱۹^۳، ص ۱۲۱). همچنین گزارش‌هایی وجود دارد که در جریان اعتراضات برای برکناری محمد مرسی از ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۳، تعدادی از زنان، مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتند (فردریک، ۲۰۲۰، ص ۳۵)؛ موضوعی که در زمان تحولات سال ۲۰۱۱ و برکناری حسنی مبارک نیز دیده شد (اسکوا، ۲۰۱۳^۴، ص ۷). در بحبوحه سرنوشت مبارک و تظاهرات آن زمان، تحت حاکمیت شورای عالی نیروهای مسلح،^۵ زنان زندانی، تحت «آزمایش باکرگی» و تحقیر جنسی قرار گرفتند. در مارس ۲۰۱۲، یک پزشک ارتش، در دادگاه مصر به دلیل انجام آزمایش باکرگی بر روی تعدادی از معترضان زن بازداشت شد، اما بی‌گناه شناخته شد. او متهم به انجام آزمایش‌ها بر روی هفت زن در یک زندان نظامی بود که در ۹ مارس ۲۰۱۱ در میدان تحریر دستگیر شده بودند (علوی، ۲۰۱۵^۶، ص ۲۹۵). در سپتامبر ۲۰۱۸، تعدادی از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد از مصر خواستند اطمینان حاصل کند که تمامی مدافعان حقوق بشر بازداشت‌شده، مطابق با تعهدات این کشور، تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دارای روند مناسب و محاکمه عادلانه، بی‌طرفانه و علنی هستند. فعالان حقوق بشر، به‌شدت نگران دوره‌های طولانی بازداشت مدافعان حقوق بشر بودند که بنا بر گزارش‌ها، بازداشت آنان ناشی از دفاع مسالمت‌آمیز و مشروع آنها از حقوق

1. Fredericks
2. El Baradei and Wafa
3. Zakarriya
4. ESCWA
5. SCAF
6. Alvi

بشر بود. این گزارش‌ها مدعی شد که هدف قرار دادن سیستماتیک مدافعان حقوق بشر، نشانه دیگری از این بود که دولت، رویکردی بدون مدارا در قبال مخالفان دارد که اغلب به بهانه مقابله با تروریسم سرکوب می‌شدند (شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد،^۱ ۲۰۱۹). در واقع، درحالی‌که به باور برخی، السیسی حقوق زنان را از طریق قانون اساسی و قانون منع آزار جنسی ۲۰۱۴ گسترش داده، اما آزادی بیان و اجتماع را به شدت محدود کرده است. زنان مصری امروز باید با یک معادله جدید مردسالارانه دست‌وپنجه نرم کنند که در آن، رژیم از حقوق زنان در ازای کنترل دستور کار زنان «حفاظت» می‌کند. در چنین شرایطی، زنان به رژیم وابسته می‌شوند و با تحمیل همکاری دولتی و تحمیل از بالا به پایین مواجه می‌شوند. (ماریانی، ۲۰۲۰)

زنان یمنی با الهام از انقلاب‌های مصر، لیبی و تونس، نقش مهمی در قیام علیه رژیم رئیس‌جمهور علی عبدالله صالح داشتند. در چهارچوب قیام، تفاوت‌های جنسیتی، به طور موقت، به نفع جنبش فراگیرتر که خواستار تغییر بود، فروکش کرد. بااین حال، برخی بر این باورند که هم رژیم صالح و هم گروه‌های اپوزیسیون، مسائل اخلاقی را دستکاری کرده‌اند تا از نقش عمومی فزاینده زنان بکاهند و آنها را به حوزه خصوصی بازگردانند. با توجه به ماهیت محافظه‌کارانه و مردسالار جامعه یمن، این واکنش‌ها دور از انتظار نبود (اسکوا،^۲ ۲۰۱۳، ص ۸).

در این میان، دوران پس از قیام در سال ۲۰۱۱ و ادامه آن تا کنفرانس گفتگوی ملی،^۳ توسط فعالان زن یمنی، به عنوان زمان طلایی برای مشارکت زنان در عرصه عمومی توصیف شده است. زنان به ۲۸ درصد نمایندگی در کنفرانس گفتگوی ملی دست یافتند و رهبران زن باوجود مخالفت‌ها، در تعیین دستور کار کنفرانس گفتگوی ملی تأثیرگذار بودند. زنان همچنین در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید، که متأسفانه به دلیل بحران سیاسی متعاقب آن در اواخر سال ۲۰۱۴ هرگز تصویب نشد، مشارکت مؤثری داشتند. از سال ۲۰۱۵، زنان یمنی، به استثنای چند مورد، به طور کلی از روند رسمی صلح مستثنی شده و در مذاکرات صلح در

1. UNHRC
2. Mariani
3. ESCWA
4. NDC

سطح بالا شرکت نکرده‌اند. بااین حال، چندین نمونه از ابتکارات تحت رهبری زنان وجود دارد که به دنبال تأثیرگذاری بر روند صلح در سطوح مختلف در یمن هستند؛ از جمله: ابتکار مسیر صلح^۱، شبکه همبستگی زنان یمن، دستور کار ملی زنان و صلح و امنیت در یمن، که هرکدام با مشارکت زنان یمنی پیش رفته است (اوده و شجاع‌الدین، ۲۰۱۹، ص ۱۷). در این میان، آنچه در درون یمن، تحت تأثیر جنگ و درگیری و افزایش فقر می‌گذرد، عرصه را بر زنان تنگ کرده و وضعیت آنها را بیش از گذشته وخیم‌تر نموده است.

لیبی در سال ۲۰۱۱ شاهد تغییر مهمی در پارادایم سیاسی خود بود. بسیاری از زنان لیبیایی، این موج تغییر را از طریق مشارکت فعال خود در اعتراضات در چندین شهر بزرگ این کشور رهبری کردند. در حالی پایان ۴۲ سال حکومت قذافی محقق شد که طرد ساختاری زنان از مناصب قدرت ادامه یافت. به عنوان مثال، زنان لیبیایی در اولین مرجع دولتی موقت، شورای ملی انتقالی^۲ و در شوراهای شهر، نماینده قابل توجهی نداشتند و درصد زنان لیبیایی در شورای ملی انتقالی، تنها ۴ درصد و در شوراهای شهر، صفر درصد بود. این درصدها، منعکس‌کننده محرومیت ساختاری زنان لیبیایی از مناصب قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری است. بااین حال، ۷ ژوئیه ۲۰۱۲، نقطه عطفی در نمایندگی سیاسی زنان لیبی در عرصه عمومی بود. بیش از ۶۰۰ زن، نام خود را به عنوان نامزد دومین مقام دولتی موقت یعنی کنگره ملی عمومی^۳ معرفی کردند. پس از انتخابات، از ۲۰۰ کرسی، ۳۳ کرسی را زنان به دست آوردند که به معنی حضور ۱۷ درصدی زنان در کنگره ملی عمومی بود. در سال ۲۰۱۴ نیز درصد راهیایی زنان لیبیایی به پارلمان، به ۱۶ درصد رسید. حتی با وجود این درصدهای امیدوارکننده، حضور زنان در دولت‌های متوالی، کم‌رنگ شد. (بوقیغیس، الحونی و بوقیغیس، ۲۰۱۷، ص ۱) گفتنی است در سال ۲۰۲۱ برای اولین بار در تاریخ معاصر لیبی، پنج زن در دولت جدید به

1. PTI
2. Awadh and Shuja'adeen
3. NTC
4. GNC
5. Bugaighis , El-Huni and Bugaighis

رهبری عبدالحمید الدیبیه، وزارتخانه‌های مهمی از جمله پست‌های کلیدی روابط خارجی و دادگستری را بر عهده گرفتند. با این حال، نجلا المنقوش که از ۱۶ مارس ۲۰۲۱ وزیر امور خارجه لیبی در دولت وحدت ملی «عبدالحمید دیبیه» بود و مدتی بعد برکنار شد، نخستین زن در تاریخ سیاسی لیبی و چهارمین زن در جهان عرب است که به عنوان وزیر خارجه منصوب شد. دیبیه در جلسه گفتگوهای سیاسی لیبی در ژنو، وعده سهمیه ۳۰ درصدی برای زنان در دولت را داد. در نهایت، آنها تنها ۱۵ درصد از وزرا را نمایندگی می‌کنند که یک رکورد در تاریخ اخیر کشور است. نخست‌وزیر جدید، این حضور کمرنگ را با توضیح اینکه نامزدهای زن به تعداد کافی برای پست‌های وزارتی وجود ندارد، توجیه کرد. دیبیه در نطق خود در مجلس نمایندگان، بار دیگر بر حمایت خود از زنان در عرصه سیاست تأکید کرد (پلتی، ۲۰۲۱). گفتنی است لیبی شاهد تشدید بحران سیاسی در درگیری بین دو دولت است: یکی به ریاست فتحی پاشاغا و دومی حکومت وحدت ملی برخاسته از توافقات سیاسی تحت حمایت سازمان ملل متحد، به ریاست عبدالحمید دیبیه، که همچنان میان این دو، اختلاف وجود دارد. بدیهی است در چنین شرایطی، حتی وضعیت زنان، چشم‌انداز مثبتی نخواهد داشت.

۴. محو تبعیض در مراقبت‌های بهداشتی علیه زنان

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که جنگ و درگیری برای مردم عادی، به ویژه زنان و کودکان، جز فلاکت و دشواری چیزی به ارمغان نخواهد آورد. تحولات سال ۲۰۱۱ در برخی از کشورهای مذکور، با خسارت کمتر و در برخی دیگر که همچنان شاهد استمرار درگیری هستیم، هزینه‌های سنگینی به بار آورده است. در تونس، که بعد از این تحولات و دوره گذار توانست به ثبات برسد، جایگاه زنان از منظر جوانب مختلف بهبود یافت؛ به طوری که در عرصه بهداشت، گزارش‌های حقوق بشری در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که در سطح ملی، ۸۴٫۱ درصد از زنان بین ۱۵ تا ۴۹ سال، حداقل چهار ویزیت پزشکی در مرحله نهایی بارداری خود انجام داده‌اند. اگرچه افزایش مرگ‌ومیر مادران ثبت شده است - ۴۴٫۸ مورد در هر صد هزار تولد

تا سال ۲۰۱۹ - باین وجود، تونس از نظر پوشش خدمات بهداشتی و مراقبت‌های بهداشتی مادران و نوزادان، جایگاهی پیشرو دارد. در مجموع، ۹۹ درصد از زنان، حداقل یک اسکن در دوران بارداری و ۸۵ درصد، حداقل چهار اسکن انجام می‌دهند. علاوه بر این، ۹۹ درصد زنان، در مؤسسات بهداشتی زایمان می‌کنند. (شورای حقوق بشر، ۲۰۲۲)

باین حال در خصوص کشورهای لیبی و یمن، وضعیت بهداشتی زنان رو به وخامت گذارد. گزارش سازمان جهانی بهداشت^۱ در مورد بنگازی (لیبی) استدلال می‌کند که سیستم بهداشت تقریباً سقوط کرده است. به عنوان مثال، در اکتبر ۲۰۱۷، پنج بیمارستان بزرگ در بنگازی به دلیل درگیری مسلحانه در داخل شهر از کار افتادند که اساساً به معنای فروپاشی امکانات بهداشتی درمانی مادران و روان پزشکی بود. از آن زمان، خدمات مراقبت‌های بهداشتی زنان، همچنان رو به وخامت گذاشته است. در جریان انقلاب ۲۰۱۱، قذافی مخالفان را متهم کرد که تحت تأثیر مواد مخدر هستند، درحالی‌که هم‌زمان گزارش شده بود که رژیم او مواد مخدر را بین جوانان توزیع می‌کند. در جامعه لیبی، مصرف مواد مخدر و تصویر یک معتاد به مواد مخدر، بسیار جنسیتی است و مردان لیبیایی، به عنوان مجرمان معمول در نظر گرفته می‌شوند باین حال، گزارش‌هایی مبنی بر اعتیاد زنان به مواد مخدر در شهرهای لیبی در حال ظهور است. (بوقیغیس، الحونی و بوقیغیس، ۲۰۱۷، ص ۹)

در یمن نیز تخمین‌ها حکایت از آن دارد که تا ۲۰۱۸، تعداد آوارگان داخلی^۲ بیش از سه میلیون نفر شده است که ۷۶ درصد آنها زنان و کودکان هستند. بیش از ۱۶ میلیون نفر وجود دارند که نمی‌توانند به آب آشامیدنی سالم و خدمات و مراقبت‌های بهداشتی دسترسی داشته باشند. بیش از سه میلیون کودک و مادران شیرده، دچار سوءتغذیه هستند. در میان افرادی که در معرض خطر خاص قرار دارند، زنانی هستند که به خدمات بهداشت باروری دسترسی ندارند. قبل از جنگ، روزانه به طور متوسط، ۸ زن در هنگام زایمان، جان خود را از دست می‌دادند. با تشدید درگیری‌های مسلحانه، خدمات بهداشتی و درمانی در آستانه فروپاشی

1. HO

2. IDP

قرار دارند (یو.پی.آر، ۲۰۱۸، ص ۸). با توجه به نرخ باروری بالا در یمن، یعنی ۳٫۸۴ تولد برای هر مادر، نرخ مرگ و میر زیر پنج سال، ۵۸ در هر هزار تولد زنده و نرخ مرگ و میر مادران، ۱۶۴ در هر صد هزار تولد زنده است. (سازمان ملل یمن، ۲۰۲۲، ص ۴)

در کشور مصر هم زنان همچنان با چالش‌های بهداشتی فراوانی از جمله ختنه زنان، مواجه هستند. خشونت مبتنی بر جنسیت، دسترسی ضعیف به مراقبت‌های بهداشت جنسی و باروری و خدمات بهداشت روانی، بیماری‌های مزمن مانند دیابت و فشار خون بالا، از جمله مواردی هستند که کارشناسان از آن نام می‌برند. از سوی دیگر، برخی معتقدند که انقلاب، هیچ تغییری واقعی در سلامت ایجاد نکرد و برای هیچ‌کس اولویت ندارد. مصر از نظر دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، یک کشور با درآمد متوسط و دارای مشکلات مشخصی است و یک شکاف ویژه شهری و روستایی در آن وجود دارد. (دویی، ۲۰۱۳)

۵. رفع تبعیض علیه زنان در امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی

بر اساس انگاره‌های اسلامی، ازدواج باید آگاهانه، هدف‌دار و گزینش‌شده باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹، ص ۲۱). در آموزه‌های فقه اسلامی، ارکان اصلی ازدواج، طرفین هستند و رضایت آنها شرط صحت است. با عنایت این اصل و اینکه اراده در ازدواج، مهم‌ترین رکن به شمار می‌رود، ازدواجی که بدون اراده واقع شود، از درجه اعتبار ساقط است (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۴۸)؛ لذا ازدواج تحمیلی، یک معضل فرهنگی اجتماعی است و اصلاً مورد تأیید اسلام نیست.

زنان تونس، از زنان پیشرو در ارتقاء وضعیت زنان در میان جوامع خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. زنان تونس، پس از موفقیتی که در حذف ماده‌ای در پیش‌نویس قانون اساسی این کشور که به گمان آنان، زنان را تابع مردان می‌کند، در سایر قوانین نیز به برخی از اهداف خود رسیدند؛ به طوری که در سال ۲۰۱۷ اصلاحیه مهمی در احوال شخصیه، که به زنان مسلمان تونس اجازه می‌دهد با مردان غیرمسلمان ازدواج کنند، به تصویب رسید. به زعم

1. UPR
2. UNYemen
3. Devi

برخی کارشناسان، محدودیت موجود در ازدواج، به عنوان نقض قانون اساسی تونس در سال ۲۰۱۴ تلقی می‌شد که به صراحت، برابری بین جنسیت‌ها را تأیید می‌کند (سلبی، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، تونس قانون ۵۸ را در سال ۲۰۱۷ برای مقابله با خشونت خانگی علیه زنان تصویب کرد و به عنوان یک ابتکار پیشگام در نظر گرفته شد که این قانون جدید، تعریف گسترده‌ای از خشونت را ارائه می‌دهد. علاوه بر خشونت فیزیکی، قانون، انواع دیگری از خشونت علیه زنان و دختران از جمله اقتصادی، جنسی، سیاسی و روان‌شناختی را به رسمیت می‌شناسد (سازمان ملل زنان، ۲۰۱۷). گرچه دیدبان حقوق بشر، پیمودن مسیری طولانی برای تحقق کامل آن را لازم می‌داند، اما از زمان تصویب این قانون در سال ۲۰۱۷، حدود ۱۳۰ واحد تخصصی پلیس راه‌اندازی شده است (الجزیره، ۲۰۲۲). یک نقطه عطف دیگر برای فعالان حقوق زنان و کودکان در تونس، لغو ماده ۲۲۷ قانون کیفری تونس، موسوم به «ماده شرمساری» بود. این ماده، «پرخاشگری جنسی با رضایت» را معرفی کرد و نیز کسانی را که تجاوز کردند، ملزم می‌کند با قربانیان خود ازدواج کنند و از پیگرد قانونی در امان باشند. (شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷)

در برخی کشورها، قیام‌های اعراب، جای خود را به درگیری‌های نظامی گسترده داد و زمینه‌ای را ایجاد کرد که منجر به افزایش خشونت علیه زنان شد. در این کشورها، خشونت علیه زنان به عنوان سلاحی برای جنگ روانی مورد استفاده قرار گرفته که در نتیجه، تجاوز جنسی به سطوح هشداردهنده‌ای رسیده است. با شروع تحولات در فوریه ۲۰۱۱، گزارش‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه رژیم قذافی، دستور تجاوز به عنف و سایر اشکال نقض حقوق بشر علیه غیرنظامیان ضد دولت را صادر کرده است (اسکوا، ۲۰۱۳، ص ۹). در دوران حسنی مبارک، زنان، تحت ستم و آزار جنسی شدید قرار گرفتند که پس از سقوط مبارک نیز ادامه یافته است. (احمد علی و ماچری، ۲۰۱۳، ص ۳۶۲)

1. Selby
2. UNWomen
3. Al Jazeera
4. Ahmed Ali and Machari

در روز آزادی (۲۳ اکتبر ۲۰۱۱)، مصطفی عبدالجلیل، رئیس شورای ملی انتقالی، اعلام کرد که چندهمسری در لیبی، بدون نیاز به اجازه همسر یا دادگاه، احیا خواهد شد. این اعلامیه، نقض قانون ۲۲ لیبی بود که مقرر می‌دارد مرد قبل از ازدواج مجدد، باید از همسرش اجازه بگیرد (بوقیغیس، الحونی و بوقیغیس، ۲۰۱۷). بالین‌حال، در سال ۲۰۲۲، شورای وزیران دولت وحدت ملی لیبی^۱ فرمان جدیدی صادر کرد که بر اساس آن، به کودکان غیرشهروند زنان لیبیایی، کلیه حقوقی که شهروندان لیبیایی دارند، اعطا خواهد شد. این فرمان، دسترسی به آموزش رایگان، درمان پزشکی رایگان و ورود بدون روادید به لیبی را ذکر می‌کند، اما از تضمین حق فرزندان زنان لیبیایی برای دریافت تابعیت، مانند فرزندان مردان لیبیایی بر مبنای یکسان، کوتاهی می‌کند. (صلاح، ۲۰۲۲)

در یمن نیز تنها پنج ماه پس از جنگ مسلحانه، خشونت مبتنی بر جنسیت، ۷۰٪ افزایش یافته بود. در سال ۲۰۱۶، صندوق جمعیت ملل متحد تخمین زد که حدود سه میلیون زن و دختر در سنین باروری، در معرض خطر خشونت مبتنی بر جنسیت هستند. بر اساس تخمین‌های بین‌المللی، تقریباً ۸۰۰ هزار نفر از آوارگان داخلی، زنان و دخترانی بین ۱۵ تا ۴۹ سال هستند که در معرض خطر خشونت مبتنی بر جنسیت از جمله خشونت جنسی و تجاوز جنسی قرار دارند. (یو.پی.آر، ۲۰۱۹، ص ۱۰)

نتیجه‌گیری

تحولات سال ۲۰۱۱م در کشورهای عربی، که از آن به بیداری اسلامی یاد می‌شود، بیش از هر چیز، در دو مسئله متمایز بود. نخست، استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که تأثیر آن بر بروز و تشدید اعتراضات کشورهای مختلف انکارناپذیر است و دیگری، حضور پررنگ زنان پایه‌پای مردان در خیابان‌ها و تظاهرات، که گاه به خشونت می‌انجامید. بالین‌حال، یافته‌های واکاوی وضعیت حقوق زنان بعد از تحولات ۲۰۱۱ در چهار کشور لیبی، تونس، مصر

1. GNU
2. Salah

و یمن نشان می‌دهد از همان ابتدا، جز تونس، زنان در بقیه کشورها، حتی در شکل‌گیری حاکمیت جدید پس از سرنگونی حاکمان پیشین، کنار گذاشته شدند. از سوی دیگر، نمی‌توان تأثیر درگیری و جنگ‌های داخلی و خارجی را نادیده گرفت. در کشورهای لیبی و یمن، بعد از استمرار این درگیری‌ها، وضعیت زنان، چه در حوزه حقوق سیاسی و عمومی و چه در بحث بهداشت و ازدواج، رو به وخامت گذارد. نبود حکومت مرکزی مقتدر در این دو کشور، بسیاری از برنامه‌های ارتقاء وضعیت زنان را با چالش مواجه ساخته است.

در مورد دو کشور مصر و تونس نیز که از پیشگامان جنبش‌های فمینیستی منطقه هستند و در عرصه حقوق زنان، سابقه طولانی دارند، دو حزب اسلامی اخوان المسلمین در مصر و النهضة در تونس، قدرت را در دست گرفتند. در ادامه، با اینکه هر دو دولت، رویکردی اسلامی داشتند، اما اخوان المسلمین از همان ابتدا، به نقض حقوق زنان متهم شد؛ درحالی‌که النهضة توانست نظر بسیاری از گروه‌های حقوق زنان را به خود جلب کند و در زمینه بهبود وضعیت زنان، به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد. ناگفته نماند که نقش فعالان زن در این دو کشور نیز حائز اهمیت است. آنچه شواهد نشان می‌دهد در تونس، گروه‌های مختلف حقوق زنان و جنبش‌های زنان، دارای انسجام، هماهنگی و کارآمدی بیشتری بودند؛ مسئله‌ای که درباره مصر دیده نمی‌شد.

در یک بررسی کلی می‌توان گفت آموزه‌های فقهی، ضمن پذیرش حضور اجتماعی و ارزش مقام زن، به مسئله حقوق زن تأکید و اهتمام دارد. همچنین طبق کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مواد ۲، ۷، ۱۲ و ۱۶ که ناظر بر وضعیت حقوق زنان در زندگی عمومی، خصوصی و سیاسی آنان است، بعد از تحولات ۲۰۱۱ و تغییر حکومت، زنان تونس نسبت به سایر کشورها، به خوبی از فرصت پیش آمده استفاده کردند و توانستند جایگاه خود را از منظر حقوق اسلامی ارتقاء داده و به تحقق مواد این کنوانسیون نزدیک شوند. با این حال، در کشور مصر، زنان نه تنها از این فرصت بهره نبردند؛ بلکه برای حفظ شرایط کنونی خود نیز با چالش‌های فراوانی مواجه شدند. از سوی دیگر، وضعیت زنان در یمن و لیبی، متأثر از استمرار جنگ و درگیری، روزبه‌روز بدتر شده و نگرانی‌های سازمان‌های بین‌المللی درباره شرایط آنها، حاکی از آینده‌ای پرچالش است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲ش)، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی» در کتاب *بیداری اسلامی در جهان عرب*، مؤلف: فرزاد پورسعید، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. احمدی، حمید (۱۴۰۰ش)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا*، تهران: نشر نی.
۳. جوانپور، عزیز و بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۲ش)، «جنبش‌های انقلاب عربی: چشم‌انداز و چالش‌های الگوی نوین دولت» در کتاب *بیداری اسلامی در جهان عرب*، مؤلف: فرزاد پورسعید، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۴. ربیعی، کامران (۱۳۹۷ش)، «تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی: رژیم‌های سیاسی در تونس و مصر»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ش ۱۴، ص ۱-۳۶.
۵. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۹ش)، *اندیشه سیاسی در جهان عرب: از باییز خلافت تا بهار عربی*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران).
۷. شمسینی‌غیاثوند، حسن و نجفی جویباری، خورشید (۱۳۹۵ش)، «واکاوی مشارکت سیاسی زنان در جهان اسلام: با تأکید بر کشور مصر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ش ۱۹، ص ۸۹-۱۱۶.
۸. عربشاهی، محمد (۱۳۹۷ش)، *تونس؛ گذار از اتوکراسی به دموکراسی*، تهران: انتشارات صالحیان.
۹. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۲۰ق)، *دنیا المرأة*، بیروت: دار الملک.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *فروع کافی*، تهران: انتشارات العلوم الاسلامیه.
۱۱. مقدم، والتائین (۱۳۹۱ش)، «جنسیت و سیاست اجتماعی: حقوق خانواده و شهروندی اقتصادی زنان در خاورمیانه» در کتاب *سیاست‌گذاری اجتماعی در خاورمیانه: پویایی‌های اقتصادی، سیاسی و جنسیتی*، مؤلفان: مسعود کارشناس و والتائین مقدم، تهران: انتشارات دلنشگاه امام صادق (ع).
۱۲. مهرپور، حسین (۱۳۹۷ش)، *نظام‌های بین‌الملل حقوق بشر*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. واعظی، محمود (۱۳۹۲ش)، *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۸ق)، *جواهر الکلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ب) لاتین

1. Abdelsalam, Elfatih. 2015. "The Arab Spring: Its Origins, Evolution And Consequences... Four Years On." *Intellectual Discourse*, 23 (1): 119-139.
2. Devi, Sharmila. 2013. "Women's Health Challenges In Post-revolutionary Egypt." *The Lancet* 1702-1706.

3. Marks, Monica. 2012. ““Complementary” Status For Tunisian Women.” *Foreign Policy*.
4. Poletti, Arianna. 2021. “Libya: Who Are The Five Influential Women Ministers In The New Government?” *The Africa Report*. <https://www.theafricareport.com/72773/libya-who-are-the-five-influential-women-ministers-in-the-new-government/>.
5. Zaki, Hind Ahmed. 2019. “Why Did Women’s Rights Expand in PostRevolutionary Tunisia?” *Middle East Brief* 1-8.
6. Aboulkacem, Slimane, Hannah R.Gerber, and Eid Mohamed. 2016. “Education, Democracy, and the Arab Spring:.” In *Education and the Arab Spring*. Rotterdam: Sense Publishers.
7. Ahmed Ali , Fatuma, and Hannah Muthoni Machari. 2013. “Women, Youth, and the Egyptian Arab.” *Peace Review: A Journal of Social Justice* 25: 359–366.
8. Al Jazeera. 2022. “Tunisia Law Failing To Protect Women From Domestic Violence:HRW.” *Al Jazeera Media Network*. <https://www.aljazeera.com/news/2022/12/8/tunisia-fails-to-protect-women-despite-law-in-place-hrw-says>.
9. Al-Natour , Manal . 2012. “The Role of Women in the Egyptian 25th January Revolution.” *Journal of International Women’s Studies* 13 (5): 59-76.
10. Alvi , Hayat. 2015. “Women’s Rights Mo s Rights Movements in the ‘ ements in the ‘Arab Spring’: Major Victories or Failures for Human.” *Journal of International Women’s Studies* 16 (3): 294-318.
11. Amara, Tarek. 2012. “Thousands Rally In Tunisia For Women’s Rights.” *Reuters*.
12. Awadh, Maha, and Nuria Shuja’adeen. 2019. *Women in Conflict Resolution and Peacebuilding in Yemen*. Research Paper, UN Women in Yemen.
13. Bellin, Eva. 2012. “A Modest Transformation: Political Change in the Arab World after the “Arab Spring”.” In *The Arab Spring Will It Lead to Democratic Transitions?*, by Clement Henry and Jang Ji-Hyang, 16-25. London: Palgrave Macmillan.
14. Bugaighis , Hala, Ekram El-Huni, and Iman Bugaighis. 2017. *The Situation Of Women In Libya*. Jusoor Center.
15. El Baradei, Laila, and Dina Wafa. 2013. “Women in the Second Egyptian Parliament Post the Arab Spring: Do They Think They Stand a Chance?” *Journal of International Women’s Studies* 14 (3): 42-63.
16. ESCWA. 2013. “Women And Participation In The Arab Uprisings:a Struggle For Justice.” Economic And Social Commission For Western Asia (ESCWA), New York.
17. Fredericks, Lauren Raylene. 2020. “The Arab Spring And The Politics Of Gender: Assessing Campaigns For Women’s Rights In Egypt And Tunisia.” A minithesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of M.Admin in theDepartment of Political Studies, University of Western Cape.
18. Harvard Divinity School. 2022. *Arab Spring in Egypt*. <https://rpl.hds.harvard.edu/faq/arab-spring-egypt>.

19. Henry, Clement , and Jang Ji-Hyang. 2012. *The Arab Spring Will It Lead to Democratic Transitions?* London: Palgrave Macmillan.
20. HRC. 2022. *National report submitted in accordance with Human Rights Council resolutions 5/1 and 16/21 Tunisia*. National report, Human Rights Council-Working Group on the Universal Periodic Review Forty-first session.
21. HRC. 2017. "Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the situation of human rights in Libya, including on the effectiveness of technical assistance and capacity-building measures received by the Government of Libya." A/HRC/34/42.
22. IPTI. 2018. *Women in Peace and Transition Processes: Yemen (2011–2015)*. Genève: The Inclusive Peace & Transition Initiative (IPTI), 1-16.
23. Mariani, Laura. 2020. "The women of the Arab Spring." *Think Tank Trinità dei Monti*. <http://trinitamonti.org/2020/03/01/the-women-of-the-arab-spring-womens-rights-in-todays-egypt-and-tunisia/>.
24. McLarney, Ellen. 2016. "Women's Rights and Equality: Egyptian Constitutional Law." In *Women's Movements in Post-"Arab Spring" North Africa*, by Fatima Sadiqi, 109-126. New York: Palgrave Macmillan.
25. Naber, Nadine. 2011. "Women and the Arab Spring: Human Rights from the Ground Up." *The Journal of the International Institute University of Michigan* 1 (1).
26. OHCHR. 2022. *Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*. <https://indicators.ohchr.org/>.
27. _____. 2017. "End In Sight For "Marry Your Rapist" Laws." *The Office of the High Commissioner for Human Rights is the leading United Nations*. <https://www.ohchr.org/en/stories/2017/08/end-sight-marry-your-rapist-laws>.
28. OHCHR. 2022. *Universal Periodic Review- Tunisia*. Compilation of UN information, United Nations Human Rights Council.
29. OHCHR. 2019. *Universal Periodic Review - Egypt*. Compilation of UN information, United Nations Human Rights Council.
30. Salah, Hanan M. 2022. "Decree on Libyan Women's Non-Citizen Children Fails Discrimination Test." *Citizenship Rights in Africa Initiative*. <http://citizenshiprightsafrika.org/decreed-on-libyan-womens-non-citizen-children-fails-discrimination-test/>.
31. Saral, Melek. 2019. "The Protection of Human Rights in Transitional Tunisia." *Muslim World* 16 (1): 1-26.
32. Selby, Daniele . 2017. "Muslim Women In Tunisia Are Now Free To Marry Non-Muslim Men." *Global Citizen*. <https://www.globalcitizen.org/en/content/womens-rights-tunisia-marriage-religion/>.
33. UN. 1979. *Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*. United Nation. <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/>.

34. UN. 2020. *Universal Periodic Review - Libya*. Compilation of UN information, United Nations Human Rights Council.
35. UN Yemen. 2022. *United Nations Sustainable Development Cooperation Framework (UNSDCF) 2022-2024*. Final Agreed UNSDCF, The United Nations.
36. UNHRC. 2020. *Universal Periodic Review - Libya*. National report, United Nations Human Rights Council.
37. UNWomen. 2017. "Tunisia Passes Historic Law To End Violence Against Women And Girls." *UN Women*. <https://www.unwomen.org/en/news/stories/2017/8/news-tunisia-law-on-ending-violence-against-women>.
38. UPR. 2019. *Yemeni Women Map the Road to Peace*. the Working Group of the Universal Periodic Review of Yemen , Women's International League for Peace and Freedom.
39. USDOS. 2021. *Tunisia 2021 Human Rights Report*. U.S.Department of State.
40. Zakarriya, Jihan. 2019. "Public Feminism, Female Shame, and Sexual Violence in Modern." *Journal of International Women's Studies* 20 (7): 113-128.

